



Philosophical Utopia writing in the perspective of the future

Behrooz Mohammadi Monfared¹

Abstract

Utopia includes general writings about a number of different ideas or dreams to describe or consider the creation of a better society than the current situation. This utopia represents a kind of desirable philosophical attitude towards the future of humanity along with criticism of the existing situation, The main problem of the research is what components of the philosophical utopia are oriented towards the future? And in what way and in the form of what components is the writing of Utopia oriented towards the future? In the process of answering such questions, the nature of utopia and the background of writing utopias are first explained. Then, components such as perfectionism, seeking justice and philosophical ideas are reported in a way that is aimed at the future of humanity and provides a clear perspective. The most important finding and result of the research is that writing a philosophical utopia can be a way to draw a bright future for humanity. In fact, each of the components is a transition from an unpleasant past to a favorable future.

Keywords: philosophical utopia, future, perfectionism, justice.

1, Faculty member Department of Ethics, University of Tehran, Tehran, Iran.

mohammadimunfared@ut.ac.ir



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۷/۲۳
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۰۸/۱۹



تحلیل انتقادی انسان‌گرایانه آرمان‌شهرهای فلسفی در نگرش به آینده

بهروز محمدی منفرد^{۱*}

چکیده

آرمان‌شهر فلسفی شامل نوشته‌هایی از فیلسوفان برای توصیف و یا توجه به خلق یک جامعه‌ی بهتر نسبت به وضعیت موجود است. این آرمان‌شهر به منزله نوعی نگرش فلسفی مطلوب به آینده بشریت همراه با انتقاد از شرایط حال فعلی است. در این صورت تبیین و تحلیل مبانی و مؤلفه‌های انسان‌گرایانه آرمان‌شهرهای فلسفی نیز اهمیت دارد. مسأله اصلی پژوهش حاضر تدقیق و تبیین این مبانی و مؤلفه‌ها است از این جهت که معطوف به آینده هستند. فرایند پژوهش چنان است که ابتدا تحلیلی اومانستی از سیر نگارش آرمان‌شهرهای فلسفی ارائه می‌شود. سپس مؤلفه‌هایی از قبیل کمال‌گرایی، عدالت‌طلبی و ایده‌های فلسفی به نحوی گزارش می‌شوند که معطوف به آینده بشریت بوده و چشم‌اندازی روشن ارائه می‌کنند و در حقیقت هر یک از مؤلفه‌ها به منزله گذار از گذشته‌ای ناخوشایند برای رسیدن به آینده‌ای مطلوب است. مهم‌ترین یافته و نتیجه پژوهش این است که نگارش آرمان‌شهرهای فلسفی بر مبنای امور انسان‌گرایانه سامان یافته و صورت‌بندی می‌شوند و می‌توانند به نحوی باشند که آینده‌ای روشن برای بشریت ترسیم کنند.

کلیدواژه‌ها: آرمان‌شهر فلسفی، انسان‌گرایی، کمال‌گرایی، عدالت‌طلبی.

۱. muhammadiminfared@ut.ac.ir نویسنده مسئول: عضو هیات علمی، گروه اخلاق، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

آرمان‌شهر در معنای عام شامل نوشته‌هایی کلی در مورد شماری از اندیشه‌ها یا رویاهای مختلف برای توصیف و یا توجه به خلق یک جامعه‌ی بهتر است. جوامع آرمانی که واژه‌ی «اتوپیا» بر آن‌ها دلالت دارد همه به شکلی عرضه شده‌اند که چون در آن‌ها عقلانیت، هماهنگی، فایده و نظم حاکم است، بهتر از جوامع موجود هستند. (امرسون، ۱۳۸۷: ۴۱۰) البته ممکن است به اندیشه‌های اطلاق شود که از منبع واقعیت نیستند، بلکه از مفاهیمی همانند سمبل و نماد، فانتزی، خواب، رویا، ایده و شبیه به آن انتزاع شوند که بیشترین مفاد آن‌ها موجود نباشد.^۱ همچنین این احتمال وجود دارد که برای هر طرح اجتماعی، عقلانی و یا سیاسی به کار روند که در آن زمان موجود غیرقابل اجرا باشد. (Bacon & Camppanella, 2003: p. II) با این حال چنین اصطلاحی برای حمل بر مصادیق خود، از آشفتگی و صعوبت خاصی برخوردار است و نگارندگان آرمان‌شهر نتوانسته‌اند به تعریف مشترکی از آن دست یابند، زیرا از حیث تاریخی دگرگونی و ناهمگونی‌های بسیاری داشته است. (Hudson, 2003: 16) درحقیقت معنای اولیه‌ی اصطلاح آرمان‌شهر، فرافکندن تخیل به خارج از امر واقع و یک نامکان است یعنی جایی که اینجا نیست، مکانی دیگر که یک ناکجاآباد می‌باشد. در اینجا نه فقط از نا-مکان، بلکه از نا-زمان هم باید سخن گفت، برای اینکه نه تنها "برون - بودگی مکانی" اتوپیا (مکانی دیگر) بلکه "برون - بودگی زمانی" (زمانی دیگر) را هم باید در آن تعین ببخشیم. (ریکور، ۱۳۸۱: ۹۹) هرچند ممکن است آرزوهای مکانی^۲ را اتوپیا و آرزوهای زمانی^۳ را هزاره‌های شکوه‌مند بنامیم. (مانهایم، ۱۳۸۰: ۲۷۲) اکنون توجه کنید بسیاری از فیلسوفان بر اساس اندیشه فلسفی خویش آرمان‌شهرهایی را ترسیم کرده‌اند که در همه این آرمان‌شهرها شاهد نگرشی انسان‌گرایانه به آینده ایده‌آل هستیم. به این معنا که مبنای آرمان‌شهرهای فلسفی غالباً قالب انسان‌گرایانه و البته همراه با نگاه به آینده دارند و از این حیث می‌توان گفت مهم‌ترین مؤلفه‌های آرمان‌شهر فلسفی بر مبنای اصول انسان‌گرایانه سامان یافته است. با این توضیح مسأله پژوهش این است که مسأله انسان‌گرایی و اومانستی به چه نحوی در آرمان‌شهرهای فلسفی طرح شده و نگاه به آینده در آن از چه جایگاهی برخوردار است؟ همچنین

1 . Rutledge Encyclopedia, Utopianism

2 . Spatial Wishes

3 . Temporal Wishes

مبانی نظری و مؤلفه‌های اومانستی آرمان‌شهرهای فلسفی از حیث نگرش به آینده کدامند؟ پژوهش حاضر با تحلیلی نظری به آرمان‌شهرهای فلسفی می‌کوشد این ایده را تقویت کند که اساس و مبنای آرمان‌شهرهای فلسفی مکتوب غالب فیلسوفان حیث انسان‌گرایانه دارد. برای همین ابتدا تحلیلی اومانستی از پیشینه پژوهش‌های معطوف به نگرش آرمان‌شهرهای فلسفی را ارائه می‌کند. سپس مبانی نظری ترسیم، صورت‌بندی و سامان‌دهی آرمان‌شهرهای فلسفی انسان‌گرایانه معرفی شده و در ادامه یافته‌های پژوهش را تدقیق می‌کند به نحوی که مبتنی بر سامان‌دهی و صورت‌بندی نظری آینده‌ای ایده‌آل باشند و شامل مؤلفه‌های انسان‌گرایانه هستند.

مبانی نظری پژوهش

اومانست‌ها یا انسان‌گرایان آدمی را محور هستی می‌دانند، به نحوی که سایر موجودات عالم بر کمانه‌های آن قرار دارند. از نگاه ایشان اصالت واقعی با انسان بوده و بر فرض که خدا و امور ماورای طبیعی نیز وجود و واقعییتی داشته باشند نیازی به ارتباط انسان‌ها با آنان نیست. در این تصویر آدمی موجودی کاملاً مستقل، خودکفا و فارغ از هر گونه تکلیف است و باید همه چیز در خدمتش قرار گیرد و رضایتش بر همه چیز مقدم است. حال کانون توجه آرمان‌شهرهای فلسفی و رسالت اصلی آنها، انسانی است که جایگزین خدا شده و بر تخت فرمانروائی نشسته و همه چیز اعم از طبیعت و غیر آن برای او و در خدمت او است، بنابراین "اتویاگری بیانی است از اومانسیم؛ گرایشی که به او وجهی نقادانه و عینی می‌دهد" (گودن، ۱۳۸۳: ۳۰) هر چند نمی‌توان آن‌را به تمام معنا اومانسیم نامید، زیرا برخلاف اومانسیم متعارف آزادی‌های انسان را محدود نموده و برای قوه خرد او در شکل دادن به حیات اجتماعی چندان اعتباری قائل نیست. با این توضیح و با ملاحظه غالب آرمان‌شهرهای فلسفی شاهد نوعی انسان‌گرایی - البته به شکل تشکیکی - در بسیاری از چنین آرمان‌شهرهایی هستیم. حال آرمان‌شهرهای فلسفی انسان‌گرایانه بر محوریت انسان - و نه خدا- تأکید دارند و بر همین مبنا بر برخی اصول نظری با ماهیت تجربی نیز مبتنی هستند که در

ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم. اگرچه آرمان‌شهرگرایان با مشاهده این اصول و مبانی به صورت‌بندی و ترسیم آرمان‌شهر خویش اقدام نموده‌اند، ولی همچنین می‌توان این اصول را نظری تلقی کرد، زیرا تحلیل آنها اساس شکل‌گیری آرمان‌شهرهای فلسفی بوده است.

ابتنای نگارش آرمان‌شهرهای فلسفی بر متون فلسفی و دینی

افلاطون معتقد بود که نمونه یا اصل دولت کامل را می‌توان در گذشته‌های دور، در عصر زرین یافت که در سپیده‌دم تاریخ وجود داشته است، زیرا اگر جهان با گذشت زمان به سوی انحطاط پیش می‌رود هرچه به گذشته‌های دورتر برویم بیشتر به کمال برمی‌خوریم. (پوپر، ۱۳۷۵: ۵۴) وی مشغول بازآفرینی شهری مربوط به گذشته بود که در عین حال ارتباط آن با زمان حال حفظ شده است، به نحوی که برخی سیماهای آن هنوز در دولت‌های موجود مثل اسپارت‌ها قابل تشخیص است. (همان: ۹۲) جمهور افلاطون الگو و منبعی برای اتویست‌های بعدی بوده است. (امرسون، ۱۳۸۷: ۴۱۳) و قوانین (حدود ۳۴۰ ق.م) او مواد و مصالحی فراهم آورد که نویسندگان بعدی از آن نهادها، انگاره‌های حکومت روشن‌فکرانه، و درک و برداشت از خیر و خوش‌بختی بشری در زندگی مدنی، خصوصاً زندگی شهری را وام گرفتند. (همان: ۴۱۴) بیشترین تأثیر آثار افلاطون را می‌توان در اتویپای تامس مور مشاهده کرد، کتاب تامس مور به طور آشکار تحت تأثیر رساله جمهوریت افلاطون و کتاب ستایش دیوانگی اثر اراسم اهل شهر رتردام است؛ اراسم در ستایش دیوانگی نشان می‌دهد امور ناعادلانه‌ی بسیاری در جامعه وجود دارد. (گانتانوموسکا و گاستون‌بوتو، ۱۳۷۰: ۱۵۷) تامس مور در مواردی نکته‌ای را از افلاطون نقل کرده و آن را خردمندانه می‌داند. (مور، ۱۳۶۱: ۶۱)

در آرمان‌شهرهای دینی و الهی، منابع دینی هم به عنوان منابعی برای ترسیم آن آرمان‌شهرها بوده‌اند، چنان‌که در تورات از بهشتی زمینی سخن رفته است که در آن خداوند، آدم و حوا را آفرید و آنان زندگی مزه، سعادت‌مندانه و آسوده‌ای داشتند، وضعی که می‌توانست تا ابد ادامه پیدا کند، ولی به دلیل

نافرمانی بشر در برابر آفریننده‌اش، پایانی نکبت‌بار یافت. (برلین، ۱۳۸۷: ۴۵) تصویر باغ عدن در سفر پیدایش (فصل دوم) نیز آن‌قدر اجمالی بود که افراد را به شوق آورد تا آن را کامل تر وصف کنند، بر این اساس، اتویا در اوایل نگارش، شامل یک بهشت زمینی از باغ عدن در خاور دور و یک عصر طلائی منبعث از رحمت الهی بود. (Bird, 1993: 228) حتی برخی معتقدند الگوهای اصلی اندیشه آرمان‌شهر - همانند آفریدگار، بهشت، اورشلیم آسمانی، مسیح موعود و آمرزش الهی - و ارزش‌های آن‌ها (همانند برابری، کار ...) نخست در عهد عتیق و عهد جدید پدید آمدند. (روویون، ۱۳۸۵: ۳۵) از این‌روی برخی آرمان‌شهرها همانند شهرخداى آگوستین - که در قرون وسطی و زمان اقتدار کلیسا نگاشته شد- براساس تعالیم انجیل نگاشته شده و از آن اثر پذیرفته است. البته برخی آرمان‌شهرهای دنیاگرا نیز بسیاری اوقات از آموزه‌های دینی برای تکمیل اتویای خود بهره برده‌اند. برای نمونه مسیحیت یک منبع و جواز چشم‌گیر برای اندیشه و عمل اتویایی فراهم آورده است تا جائی که کامارا^۱ معتقد است آرمان‌شهر تنها در جوامعی با میراث سنتی و مسیحی ظاهر می‌شود. (Hudson, 2003: 20)

اکنون توجه کنید که متون پیش‌گفته در نگارش آرمان‌شهرهای فلسفی انسان‌گرایانه پسین تاثیرگذار بوده‌اند. به عبارت دیگر اینگونه نبوده است که صرفاً اندیشیدن و تخیل سبب نگارش شده باشد، بلکه متون و تعالیم پیشین به نگارش آرمان‌شهرهای فلسفی بعدی کمک کرده‌اند.

تأثیر مدرنیته در آرمان‌شهرهای فلسفی پسین

عصر رنسانس - که عصر نوزائی نامیده می‌شود- جنبشی عظیم علیه آموزه‌های کلیسا و مسیحیت بود و جوامع بشری به سوی دنیاسازی و نوسازی پیش رفتند و بسیاری نهضت‌ها از قبیل علمی، فرهنگی و هنری به وقوع پیوست. این عصر تأثیر بسزائی در ایده‌های نو از جمله ترسیم آرمان‌شهرهای فلسفی انسان‌گرا داشته است و اندیشه‌ی آرمان‌شهر در این دوران یعنی هنگامی که

1 . Kumar

موضوع‌های مهم نوگرایی غربی طراحی و ساخته و پرداخته می‌شدند، پدید آمد. کریشان کامار^۱ معتقد است اتوپیا با مدرنیته زاده شده است، به این معنا که در دوره‌ی مدرنیته پیشرفت چشمگیری در اندیشه‌ی اتوپیائی شده است. به ویژه در دو‌یست سال اخیر به عنوان یک عنصر و جزء ضروری جهان غرب بوده است. (Critical Studies, 2005) حتی می‌توان اتوپیا را از شوون لازم تمدن غربی به شمار آورد. (داوری اردکانی، ۱۳۷۹: ۲۳) بنابراین مناسبت اتوپیا با تمدن غرب عارضی و اتفاقی نیست، بلکه طرح مدینه‌ی اتوپیا اقتضای ذات این تمدن است و اثر آن در تمام شوون این تمدن اعم از علم و ادب و رفتار و تدبیر و به طور خاص در تاریخ و علوم اجتماعی و انسانی مشاهده می‌شود. (روویون ۱۳۸۷: ۳۵) تا جائی که می‌توان اتوپیا را ظهور و بروز روح اومانستی در سپیده دم تمدن غرب مدرن در قالب توصیف یک مدینه‌ی فاضله دانست. به نظر می‌رسد نابسامانی‌های دوران گذار از قرون وسطی به رنسانس که در کشورهای اروپائی اتفاق افتاد این زمینه را برای ظهور اتوپیاها مهیا کرد. برای نمونه تامس مور که یک اومانیسست بود (راسل، ۱۳۷۳: ۷۱۵) از طریق استادان خود در آکسفورد با سنت‌های بشردوستانه آشنا شده بود و عصر رنسانس بر پیدایی و شکل‌بندی آرمان‌شهر تامس مور اثر مسلم داشته است. بنابراین، کتاب اتوپیا آئینه‌ای از تفکرات اندیشمندان دوران رنسانس و آرمان‌های آن‌ها در مورد دین، فرهنگ، اقتصاد و سیاست و بیان یک اومانیسسم مسیحی است که بر اساس عقل‌گرایی افراطی شکل گرفته است، به این معنا که راهبر زندگی انسان عقل است و آدمی می‌پندارد با شعور خود می‌تواند همه‌ی مشکلات خود را رفع نماید. (کنی، ۱۳۷۴: ۱۳) با این توضیحات اتوپیهائی که در دوران پس از رنسانس نگاشته شد صورت اساسی تمدن غرب را در خود جای داده بودند (داوری اردکانی، ۱۳۷۹: ۲۲) و عصر رنسانس و رشد انسان‌گرایی بر ترسیم آرمان‌شهر آن‌ها تأثیر گذاشت.

1. Krishan Kumar

بازتاب وضعیت بحرانی انسان در جامعه

نظریه‌ی راهبردی آرمان‌شهر از چگونگی وضعیت جامعه‌ی موجود و شاخص‌های وضع مطلوب تشکیل یافته است و در صورتی که وضع موجود در راستای وضع مطلوب نباشد و با آن تطابق نداشته باشد، باید با تغییر وضع موجود و یا اصلاح آن برای تحقق وضع مطلوب کوشید. این امر از آن‌جا ناشی می‌شود که آدمی از قوه‌ی عقل و خرد برخوردار بوده و دارای آرمان و آرزوست و لذا همواره در افق دید و ذهن خود تصویری از یک وضع مطلوب و آرمانی جامعه را دارد.

غالب اوقات، اتوپیا و اندیشه‌های فلسفی حاصل بحران‌های یک جامعه و یک فرد است، چنان‌که فیلسوف - به قول هایدگر- بشری است که به رودخانه‌ی زمان پرتاب شده، محصول شرایط تاریخی خود است و تنها می‌تواند از لابلای سطور فلسفه‌اش، حقیقت وجودی خود را شرح دهد. (کاسیرر، ۱۳۶۸: ۴۲۵) نگارش بسیاری از آرمان‌شهرها نیز بازتاب شرایط عینی جامعه است و برای نمونه برخی اتوپیاها در خلال آشوب‌های سیاسی و در جامعه‌ای نگاشته شده‌اند که ظلم و خفقان و ناعدالتی به اوج خود رسیده و یا یک ایدئولوژی حاکم، بحران‌هایی را برای بشریت به ارمغان آورده است. (Bacon, 2002: p. II) از این رو، طراح آرمان‌شهر که از اوضاع حاکم بر جهان ناخرسند است و شرایط عینی جامعه را با تصورات ذهنی و آرمان‌های مجرد خویش ناساز می‌یابد، می‌کوشد با طرحی آرمانی وضع موجود را نفی و ارزش‌های آن را انکار کند. پس «متن آرمان‌شهرها متضمن نقادی وضع مدنی و سیاسی عصر است» (داوری اردکانی، ۱۳۷۹: ۳۳) و تنها تخیل صرف نیست، بلکه بازآفرینی ذهنی جامعه به قصد انتقاد از نظام مستقر و آشکار ساختن نارسایی‌ها و ناهنجاری‌های جامعه است. بنابراین، آرمان‌شهرها هجویه‌هایی اجتماعی یا اخلاقی هستند که به عنوان سرپوش یا بهانه‌ای برای هدف‌های دیگر به کار رفته‌اند. اکنون به

برخی از نمونه‌های تأثیر شرایط و موقعیت‌های نامطلوب جامعه در نگارش آرمان‌شهرهای فلسفی انسان‌گرایانه اشاره می‌کنیم؛

- جمهوری افلاطون، حاصل نومی‌دی او از رستگاری نظام‌های سیاسی موجود در یونان زمان خود و تفکر در باز یافتن بهترین نوع حکومت بود. (عنایت، ۱۳۷۹: ۳۶) افلاطون که شاهد فروریختن نظام ارزش‌های اجتماعی آتن، اعدام فرزانه‌ترین فرد زمانه به دست خودش (سقراط) (گمپرتس، ۱۳۷۵، ج ۲: ۹۹۲)، گرمی بازار سوفیست‌ها، خرید و فروش فضیلت، آمد و رفت جباران تیرانت و دمکرات‌های افسارگسیخته از صحنه‌ی سیاست دولت آتن و ظلم حاکمان روزگار خود بود، جمهوری خویش را از این روی نگاشت تا اهل آتن را راهنمایی کند و انسان‌های نیک را مطمئن سازد که اگر سر در پی عدالت و فضیلت نهند در زندگی بعدی اجر خود را خواهند یافت. (امرسون، ۱۳۸۷: ۴۱۲)

- تامس مور کتاب اتوپای خود را در حالی منتشر کرد که بر اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی سرزمین خود برآشفته و منتقد فرمانروایان ظالم و مستبد، روحانیون متعصب مسیحی و ثروتمندان متجاوز بود. برای همین در قسمت اول کتاب خود - که جنبه‌ی تاریخی و واقعی دارد- به برخی از این نابسامانی‌ها اشاره کرده و به عنوان نمونه می‌گوید: «انسان‌های نابخرد اطراف پادشاه را گرفته‌اند و عملکرد ناصحیح نظام حاکم باعث بیکاری و فساد شده است زیرا بیکاران از روی بیکاری به فساد و دزدی روی آورده‌اند» (مور، ۱۳۶۱: ۳۴) بر این اساس، اتوپای تامس مور بهانه‌ای برای خرده‌گیری از جامعه‌ی خویش و متأثر از حوادث روزگار بود. (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۲۳۸) مور نشان داد که با ساختن یک دنیای خیالی و غیرواقعی، راحت‌تر می‌توان نظریات مخالف

نظام- به معنی اخصص کلمه پادشاه- را بر زبان آورد. قوانین سخت ضد طلاق در آرمان شهر بیشتر کنایه به بحران ازدواج‌های مکرر هانری هشتم، به خصوص قضیه طلاق دادن ملکه کاترین بود و قواعد اخلاقی آن نیز، بیانیه‌ای علیه نظریه‌های ضد کاتولیک مارتین لوتر و ابراز مخالفت با استقلال کلیسای انگلستان از واتیکان بوده است.

گفتنی است، بسیاری از آرمان شهرها هم به حمایت و یا در مقابله با برخی ایدئولوژی‌های عصر خود نگاشته شده‌اند و در عین حال چنین آرمان شهرهایی بیشتر در قالب دیستوپیا نمود دارند که از جمله می‌توان به داستان پاشنه آهنین (۱۹۰۷) اثر جک لندن اشاره کرد که ضد کاپیتالیسم بوده (see: London, 1983) و همچنین فردای ناشناخته (۱۹۱۰) اثر ویلیام له‌کو را نام برد که ضد سوسیالیسم است. برخی از آرمان شهرها هم آن‌چنان نقد جامعه‌ی موجود را منعکس کرده‌اند که گوئی برای این امر نگاشته شده‌اند و مدینه‌ی فاضله نیستند همانند سفرهای گالیور اثر سوئیفت که ارائه‌ی طرح آرمان شهر بودن آن تحت الشعاع نقد اجتماعی قرار گرفته است. (See: Jonathan Swift, 1826)

در مقابل، آرمان شهرهای خداگرایانه از قبیل آرمان شهر مهدوی همانند نمایشنامه‌ای هستند که طراح و نویسنده‌ی آن ذات باری تعالی است که با توجه به کمال ذاتی خداوند، به گونه‌ای کمال یافته و شایسته نگاشته شده و در قالب وحی و سنت، بشارت داده شده است، بنابراین علت غایی جامعه‌ی مهدوی نهضت شخصی و فردی نیست بلکه نوعی و کلی و برای عدالت اجتماعی، انسانیت و توحید است که عاملی جز ذات خداوند بر ترسیم آن تأثیرگذار نبوده است. بنابراین از نقص‌های آرمان شهرهای بشری مبراست و نه دغدغه‌های فردی را منعکس می‌کند. در واقع اگرچه آرمان شهر اسلامی در دوران نابسامانی‌های جامعه‌ی بشری پدید می‌آید و آن‌گاه منجی موعود مسلمانان ظهور می‌کند که زمین پر از ظلم و فساد باشد، ولی این امور علت اساسی ظهور منجی و تحقق آرمان شهر نیستند، بلکه تنها زمینه‌های تحقق آرمان شهر هستند و مدینه‌ی فاضله‌ی مهدوی به

عنوان فصلی جدید از تاریخ از آغاز مطرح بوده است. به عبارت دیگر آرمان‌شهر مهدوی بازتابی صرف از برنتایدن اوضاع و احوال نابسامان جامعه‌ای خاص نیست، بلکه فلسفه‌ی تاریخ بشر است، قصه‌ی حرکت روبه‌کمال انسان از دالان‌های تاریک تاریخ به سوی نور و کمال و سعادت است و ظهور آن تاریخ نورانی پس از بروز ظلم و ستم فقط نشانه‌ای از زدودن زشتی‌ها و پلیدی‌ها توسط حضرت مهدی (عج) است و برخلاف آرمان‌شهرهای بشری که بازتاب نابسامانی‌ها و رخدادهای تلخ تاریخ جامعه‌ای خاص است. آرمان‌شهر مهدوی بازتاب اراده‌ی خداوند در به حاکمیت رساندن صالحان و شایستگان بر روی زمین و فلسفه‌ی تاریخ کمال یافتن تمام انسان‌ها است.

پیشینه پژوهش

نخستین بیان اومانستی آرمان‌شهراندیشان فلسفی، تصویر عصرطلایی در آثار هسیودوس (حدود ۷۵۰ ق.م) است. هسیودوس زمانی را توصیف می‌کند که در آن «... زمین بارور، و بی‌دریغ خودانگیخته برای آدمیان میوه‌های فراوانی می‌آورد و آدمیان در صلح و آرامش بر زمینشان می‌زیستند و چیزهای خوب بسیار داشتند، جمعیتشان پر و پیمان بود و محبوب خدایان رحیم بودند.» (امرسون، ۱۳۸۷: ۴۱۱) اما جمهور افلاطون (حدود ۳۷۰-۳۶۰ ق.م) نخستین شکل مکتوب آرمان‌شهر فلسفی در دست است که با تفصیل، نهادهای یک نظم اجتماعی آرمانی را شرح داده است. افلاطون بر اساس فلسفه و مبانی عقلی و نوع نگاه به حقیقت نفس انسانی، دولت‌شهری را بنا می‌نهد که فیلسوفان حاکمیت آن را برعهده دارند و تمام و کمال خواهی در هر فضیلتی شاکله‌ی اساسی آن را تشکیل می‌دهد. از آغاز دوره‌ی مسیحی تا قرن شانزدهم، آرزوهای آرمان‌شهری مسیحی معمولاً شکل هزاره‌باورانه داشت و آرمان‌شهر فقط جلوه‌ای از جهان نجات‌یافته بود. (امرسون، ۱۳۸۷: ۴۱۶-۴۱۵) این هزارباوری الگویی برای برخی طرح‌های ذهنی اتوپیایی سنتی همانند شهرخدای آگوستین و شهر مسیحیان^۱ فالتین اندریا قرار گرفته و محتوای این آرمان‌شهرها جلوه‌ای

1. Christainoplis

از یک آرمان‌شهر مسیحی هستند. به ویژه شهر خدا نخستین و یا شاید بزرگترین تفسیری است که در طول تاریخ راجع به فلسفه‌ی مسیحی نوشته شده است و آگوستین در فرازهای متعدد، مسائل اخلاقی بشر را مطرح می‌سازد و راه حل آن‌ها را با توجه به تعالیم مسیحی بیان می‌کند. (دلی، ۱۳۸۳: ۵۶-۵۵)

با رشد اندیشه و انسان‌محوری در عصر رنسانس و آزادی بشر از اسارت کلیسا، آرمان‌شهراندیشی نیز به شکل مکتوب شروع به توسعه کرد و از حیث کمی گسترش یافت. بشر انسان‌گرای جدید تلاش کرد برای خود بهشتی زمینی ترسیم کند که در آن تمامی آرمان‌ها و آرزوهای دنیوی او در آن و در خدمت انسان لحاظ شود. البته تکالیف زمینی از اهل آن برداشته نشده است و عقل‌ابزاری ملاک و واضح آن است. (داوری اردکانی، ۱۳۷۷: ۳۴) به هر حال غالب طرح‌های اتوپای این دوران، آینده‌ی مثبت و زیبایی را برای انسان ترسیم می‌نمایند و با وجود تفاوت‌هایی که بین همه‌ی آن‌هاست، به طور مشترک در همه‌ی آن‌ها نوعی انسان‌محوری را ترسیم می‌کنند. نخستین اثر مکتوب آرمان‌شهراندیشی اومانستی این دوران، اتوپای توماس مور است. *اتوپای تامس مور* غایت حاکمیت انسان بر زمین است و در کتاب *مور* که رابطه بین عقل و ایمان شرح داده شده است (Beer, 2002: 34) به وضوح رگه‌هایی از اومانسیم مسیحی همانند تساهل، آزادی ادیان و عقیده در آن به چشم می‌خورد که قابل اغماض نیستند تا جائی که اومانست‌ها آن را مانیفیستی برای اصلاحات کلی در رنسانس مسیحی دانسته‌اند. بنابراین *اتوپای تامس مور* بیان اومانسیم مسیحی و اخلاقیات نویافته و شوق و حرارت مذهبی بود که نهضت اصلاح دینی و نهضت ضد اصلاح دینی در آن ریشه داشت (امرسون، ۱۳۸۷: ۴۱۷) و تمام توجه آن به زیست این جهانی بشری و محوریت او برای عالم است. در حقیقت تامس مور یک اومانست بود (راسل، ۱۳۷۳، ج ۲: ۷۱۵) که از طریق استادان خود در آکسفورد با سنت‌های بشردوستانه آشنا شده بود و عصر رنسانس بر پیدایی و شکل‌بندی آرمان‌شهر *تامس مور* اثر مسلم داشته است و از

این‌روی کتاب *آتوپیا* آئینه‌ای از تفکرات اندیشمندان دوران رنسانس و آرمان‌های آن‌ها در مورد دین، فرهنگ، اقتصاد و سیاست و بیان یک اومانیسیم مسیحی است که بر اساس عقل‌گرایی افراطی شکل گرفته است. به این معنا که عقل راهبر زندگی انسانی است و آدمی می‌پندارد با شعور خود می‌تواند همه مشکلات خود را رفع نماید و به این جهت *آتونی‌کنی* او را اومانیسیم جوان می‌خواند. (کنی، ۱۳۷۴: ۱۳)

آتالانتیس‌نو اثر فرانسیس بیکن و شهرآفتاب (۱۶۰۲-۱۶۲۷) تومازو کامپلانا نیز نمونه‌هایی از آرمان‌شهرهای فلسفی انسان‌گرایانه هستند که در امتداد اتوپییای تامس مور نگاشته شده‌اند. در شهرآفتاب، یک جامعه‌ی علمی ترسیم می‌شود و بشر از طریق اصلاح نژادی، از به دنیا آمدن افراد شرور مادرزاد پیشگیری می‌کند. در تاریخ اهالی سوارامب اثر وارس، تفریح گروهی، به عنوان سفر آموزشی از اهمیت برخوردار است. (See: Vairasse, 2006) از دیگر آرمان‌شهرهای قرن هفدهم می‌توان به اوستانیای جیمز هرینگتون^۱ (۱۶۷۷-۱۶۱۱م) اشاره کرد که در آن مسأله‌ی ثبات و جاودانگی ساختار سیاسی و ارزش‌های دولت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و چنان‌چه علل فساد و تباهی قانون اساسی و تضادها و نابرابری تقسیم زمین‌ها برداشته شود جامعه‌ای آرمانی محقق خواهد شد. (See: Harrington, 1992)

در قرن هجدهم اتوپیا تبدیل به سیاست می‌شود (گودن، ۱۳۸۳: ۶۳) و بیشتر اتوپیاهای آن عصر به نقد ایدئولوژی‌ها و مکاتب آن عصر و یا ارائه‌ی یک ایدئولوژی می‌پردازند چنان‌که به عنوان نمونه آرمان‌شهر فرانسواماری آروئند ملقب به ولتر (۱۷۸۸-۱۶۹۴م) فیلسوف فرانسوی سیاسی بوده و در نقد جامعه‌ی فرانسوی آن روز نوشته شده است و یا اساس شهر زرین (ال‌دورادو)^۲ اثر ولترال یک جامعه‌ی سوسیالیستی است که در آن از لغو مالکیت خصوصی و پول سخن به میان می‌آورد و یا قوانین طبیعت (۱۷۵۵) مورلی، منظری از جامعه‌ای ایستا را پیش می‌نهد که نظمی سربازخانه‌ای

1. James Harnigton

2. دورادو یک واژه‌ی اسپانیایی و به معنی شهر زرین است.

در جهت برقرار کردن برابری خواهی کمونیستی دارد. ژان ژاک روسو نیز آرمان شهری می‌آفریند که در آن از منشأ نابرابری میان انسان‌ها سخن به میان آورده و سیر آرام وجود انسانی را نشان می‌دهد. (See: Rousseau, 1992) غالب اتوپیا‌های قرن هجدهم به اکتشاف و اختراع‌های بشر اهمیت داده و آن‌ها را نجات‌دهنده‌ی بشر می‌دانستند که به عنوان نمونه می‌توان از خاطرات سال دوهزار و پانصد^۱ اثر لویی-سیاستین نام برد که برنامه‌ای آینده‌گرا از پاریس ارائه می‌کند. در قرن ۱۹ از امکان تحقق آرمان‌شهر سخن به میان آمد و در خلال آن قرن، تفکر اتوپیایی از مرحله‌ی تصورات نظری به مرحله‌ی تطبیقات عملی-تجربی رسید و این بار بین اتوپیا و علم مقابله رخ داد، یعنی همان تقابلی که ماتریالیسم تاریخی بین سوسیالیسم اتوپیایی و سوسیالیسم علمی قائل شد. در اوایل قرن بیستم اتوپیا و اسطوره^۲ و همچنین اتوپیا و ایدئولوژی در مقابل هم قرار گرفتند و تغییرات اقتصادی و تطوّر علم و تکنولوژی اثر عظیمی بر تشکیل فکر اتوپیایی در این مقطع زمانی داشته است. در نهایت، ورود انسان به عصر فضا هم تأثیر بسزایی بر ادبیات اتوپیایی گذاشته است، به گونه‌ای که آرمان‌شهرهایی^۳ بر این اساس نگاشته شده‌اند.

در قرنهای ۱۹ و ۲۰ که ضدآرمان‌شهرهایی نوشته شدند، برخی معنای اتوپیا را در معنایی گسترده‌تر شامل ضد اتوپیا نیز می‌دانستند، البته اتوپیا‌هایی در جهت مخالف که غالباً دیستوپیا یا ضد آرمان‌شهر نامیده می‌شدند. در قرن بیستم اتوپیا‌های بسیاری خلق شد که از کل اتوپیا‌های قبلی تجاوز می‌کردند ولی داستان‌های اتوپیایی در این عصر غالباً در قالب داستان‌های اکوتوپیایی بوده و سخن از واپس‌گرائی و علم ستیزی دارند. به عنوان نمونه «خسران» اثر رنه بارژاول از بازگشت اجباری به طبیعت سخن می‌گوید (See: Barjavel, Reneh, 1986) و جامعه‌ی آرمانی ویلیام هادسون در رمان عصر بلورین^۴ (۱۸۸۷) از جوامع روستایی خودکفایی متشکل است که به شکل

1. L'an Doux Mille Quatre Cent quarante

2. مفاد تقابل بین اتوپیا و اسطوره، حاکمیت اسطوره و فائده داشتن آن در مقابل بی ارزشی و بی اعتباری اتوپیا بود.

3) (که در سال ۱۹۵۳ منتشر شد. Clark. همانند داستان سرانجام کودکی اثر آرثر کلارک)

4. A crystal Age

یک نظام طایفه‌ایِ مادرسالارِ زندگی می‌کنند. (See: Hudson, 2006) حتی برخی تا حدی پیش می‌روند که علاوه بر تأیید ساختار جامعه‌ی بسته‌ی روستایی، عصر وحشی‌گری ماقبل تمدن را می‌ستایند که به عنوان نمونه می‌توان از رمان پس از لندن^۱ (۱۸۸۵) نوشته ریچارد جفریز نام برد.

(See: Jefferies, 1980)

در اواخر قرن ۲۰ کارل مانهایم و برخی دیگر، اتوپیا را از معنای محدودش جدا ساخته و آن را در معنای عام‌تری به کار می‌گیرند. کارل مانهایم این واژه را صرفاً در مفهومی نسبی به کار می‌برد و منظور او اتوپیائی است که فقط از دیدگاه نظام اجتماعی معینی که هنوز موجود است تحقق ناپذیر به نظر می‌آید. (مانهایم، ۱۳۸۰: ۲۶۲) از نظر مانهایم حالت ذهن هنگامی اتوپیائی است که با حالت واقعی که این حالت ذهنی در آن به ظهور می‌رسد ناسازگار باشد این ناسازگاری همواره از این نکته هویداست که چنین حالت ذهنی‌ای در تجربه، در اندیشه و در عمل معطوف به موضوعاتی است که در موقعیت فعلی وجود ندارد. (همان: ۲۵۷) او در کتاب خود صورت‌های مختلفی از اتوپیای مورد نظر خود را برمی‌شمرد که از جمله می‌توان به اتوپیای مکتب انسان دوستی آزادی‌خواهانه و اتوپیای بورژوازی اشاره کرد که پس از تحقق تبدیل به واقعیت شدند.

روش‌شناسی پژوهش

اکنون توجه کنید که روش پژوهش در آرمان‌شهرهای فلسفی کاملاً تحلیلی و نظری و نه تجربی است. اساساً فیلسوفان با قوه خرد و تحلیل‌های عقلی - و نه صرف مشاهدات تجربی - آرمان‌شهرهای خویش را ترسیم و صورتبندی می‌کنند که شامل تحلیل جهان‌بینی و حقیقت نفس انسانی بوده و به تاثیر این امور در تحقق جامعه ایده‌آل منتهی می‌شود. بر همین اساس پژوهش‌های معطوف به چنین آرمان‌شهرهایی نیز با ترکیب از مقدمات و استدلال‌های عقلی و تجربی می‌توانند الگوهای آرمان‌شهرهای فلسفی انسان‌گرایانه را نقد نموده و بدیل‌های مطلوب را ارائه کنند.

1 . After London

یافته‌های پژوهش

آرمان‌شهرهای فلسفی از مؤلفه‌هایی انسان‌گرایانه معطوف به آینده برخوردار هستند به این معنا که چنین مؤلفه‌هایی در جهت سامان‌دهی زیست آینده فرد و جامعه ترسیم شده‌اند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این مؤلفه‌ها می‌پردازیم؛

کمال‌گرایی آرمان‌شهر فلسفی و نگرش به آینده مطلوب

کمال‌گرایی یا کمال‌خواهی و کمال‌طلبی یکی از مؤلفه‌های انسان‌گرایانه آرمان‌شهرهای فلسفی است که در قالب نگرش به آینده تعریف می‌شود. از نگاه فیلسوفان آرمان‌شهرنویس، انسان به طور فطری و در نهن‌خانه‌ی وجود خویش، کمال‌طلب است، از این رو ناخودآگاه، در پی دست‌یابی به کمال نفس خویش است و در همه‌ی رفتارها و گفتارهای خویش، یگانه‌هدفی را که دنبال می‌کند، کمال خویشتن است. از سوئی انسان فطرتاً هر کمالی را به طور مطلق می‌خواهد و اگر عالم را در اختیار داشته باشد و گفته شود جهان دیگری هم هست فطرتاً مایل است آن جهان را هم در اختیار داشته باشد و یا اگر علوم دیگری نیز قابل تصور باشد مایل است آن‌ها را نیز بیاموزد. نکته‌ای که از نگاه فیلسوفان متالهه اهمیت دارد این است که انسان فطرتاً کمال مطلق را اصیل می‌بیند و به آن گرایش دارد، ولی چون کمالات محدود و مقطعی را تابع آن کمال مطلق می‌بیند، بالتبع به آن‌ها نیز می‌گراید. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۷۸) این کمال‌جویی و عشق به کمال و خیر، محور و مرکز بسیاری از گرایش‌ها به شمار می‌آید. روشن است که متعلق کمال متعالی نفس انسانی می‌تواند فضائلی از قبیل کرامت اکتسابی و اجتماعی انسان، عدالت، احسان و یا مدارا را شامل شود.

این طلب کمال برای نفس انسانی عاملیتی برای طلب و ترسیم آرمان‌شهر است. در حقیقت طلب آرمان‌شهر - به خاطر ابزاریت آن برای تحقق کمال انسانی - در طبیعت انسان ریشه داشته و جوهره‌ی بشر و اهداف درونی وجودش را بیان می‌کند. (برلین، ۱۳۸۷: ۴۳) یعنی آرزوی داشتن

یک جامعه‌ی بسترساز کمالات اخلاقی و تکامل انسان در فطرت هر انسانی و در وجدان هر جامعه‌ای نهفته است و این تجلی روح کمال‌جوئی انسان‌ها، فیلسوف و نگارنده آرمان‌شهر را - به عنوان یکی از افراد جامعه - واداشته است که برای تحقق و یا حداقل ترسیم یک شهر اخلاقی آرمانی تلاش کند. البته معنای حقیقی کمال، بسته به جهان‌بینی پذیرفته شده توسط هر فیلسوفی متفاوت است و برای همین تفاوت‌هایی در متعلقات آن وجود دارد. اما آنچه اهمیت دارد این است که غالب آرمان‌شهرنویسان فیلسوف به عنوان انسان‌هایی کمال‌طلب، نواقص و نابسامانی‌های اخلاقی و غیراخلاقی انسان‌های موجود در جامعه‌ی خود را مشاهده کرده و نسبت به رفع آن‌ها و ترسیم یک جامعه‌ی کامل و مطلوب برای حقیقت انسان‌گرایی می‌یابند. این‌گرایش به کمال، اتوپیست را به ترسیم آرمان‌شهر اخلاقی خویش سوق داده است. در حقیقت کمال‌خواهی و کمال‌طلبی برای نفس انسانی در همه‌ی اتوپیاها به وضوح نمایان است و غالب آرمان‌شهرها را به هم پیوند می‌دهد (روویون، ۱۳۸۵: ۱۴) و می‌توان آن را یکی از وجوه اشتراک جامعه‌های آرمانی ایده‌آل تلقی کرد.

به هر حال نسبت به منشأیت کمال‌خواهی برای ترسیم آرمان‌شهر فلسفی باید به این نکته توجه داشت که کمال‌خواهی به تنهایی معیار ارزش‌گذاری آرمان‌شهرها به‌شمار نمی‌آید، زیرا اگرچه کمال‌طلبی نشان از نهاد پاک بشری دارد، ولی نسبت به حقیقت و مصداق کمال بین آرمان‌شهرگراها اختلافات بسیار وجود دارد. در این صورت محتمل است که معنای کمال نفس و عوامل رسیدن به آن از نگاه یک آرمان‌شهرگرا با آرمان‌شهرگرای دیگر متفاوت باشد. به‌ویژه در این مورد بین آرمان‌شهرگرایان دین‌مدار با دنیاگرا کاملاً تفاوت وجود دارد. از منظر آرمان‌شهرگرای دین‌مدار، حقیقت کمال‌طلبی معطوف به اخلاقیات، در صورتی به‌درستی در ترسیم جامعه‌ی ایده‌آل تأثیرگذار است که فهم مصداقی کمال از پشتوانه‌ی وحی برخوردار باشد. در این تصویر، اگر ترسیم‌کننده‌ی آرمان‌شهر ذات باری تعالی باشد، آن آرمان‌شهر از هرگونه نقص

و خللی به دور بوده و سعادت انسان را در پی خواهد داشت، زیرا خداوند از علم و اراده‌ی تام و کامل به کمالات بشری برخوردار بوده و سعادت دنیوی و اخروی انسان را بیش از خود او درک کرده است.

عدالت‌طلبی انسان‌گرایانه در نگرش به آینده

منظور از عدالت‌طلبی انسان‌گرایانه فیلسوفان آرمان‌شهرنویس این است که حقیقت عدالت در گام نخست معطوف به نفس انسانی به عنوان یک فضیلت است و خواست آن می‌تواند به عدالت‌خواهی اجتماعی تسری یابد. در حقیقت اصل عدالت امری اخلاقی و مهم‌ترین فضیلت برای نفس انسان است که منشأ و مبنا برای پذیرش بسیاری از رفتارهای اخلاقی است. عدالت‌خواهی نیز امری فطری است و از درون‌کاوی و مطالعه‌ی حالات روانی و همچنین رجوع به آموزه‌های دینی و آرای روان‌شناسان می‌توان به این امر پی برد. همانطور که اذعان داشتیم این عدالت‌خواهی می‌تواند به عدالت اجتماعی و اصلاح جامعه‌ی انسانی منتهی شود، زیرا جامعه شامل مجموعه‌ای از انسان‌ها است و آن‌گاه که انسان‌ها فضیلت‌مند به فضیلت عدالت باشند، شاهد جامعه‌ای عادل خواهیم بود. در مجموع این عدالت‌خواهی و اصلاح جامعه‌ی انسانی، یکی از انگیزه‌های فیلسوفان در تدوین و ترسیم آرمان‌شهرهای فلسفی بوده است، برای نمونه افلاطون جهان را بر منهج عدل استوار می‌داند و درصدد است عدالت موجود در عالم تکوین را بشناسد و نظام اجتماعی را به سوی آن سوق دهد و آدمی را از رنج و محنت برهاند. برای همین، هدف اساسی از کتاب جمهور وی بیان مفهوم عدالت و راه رسیدن به آن برای نفس انسانی است. البته افلاطون تحقق حقیقت عدالت را آرمانی مطلوب می‌داند که تنها تربیت یافتگان دامن فلسفه و حکمت می‌توانند به آن برسند و مطلوب جویندگان سعادت می‌باشد. (افلاطون، ۱۳۶۸، ج ۵: ۹۲) فارابی نیز بر این باور است که جهان هستی در نهایت عدل و کمال آفریده شده و بر اساس این هدف جامعه‌ای آرمانی را ترسیم کرده است. وی بخش عمده‌ای از مدینه‌ی فاضله‌ی خود را به

مسأله‌ی عدالت و عدالت‌محوری اختصاص داده است و معتقد است تنها حکیم خوب می‌تواند این نقش را ایفا کند زیرا برای برقراری نظام فاضله و عادلانه باید مردمان یا گروهی از ایشان با عدل آشنا شوند و عدل در وجودشان تحقق یابد و عمل و اعتقادشان یکی گردد. (داوری اردکانی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۰)

به هر حال اگرچه عدالت‌گرایی برای نفس انسانی و همچنین عدالت‌خواهی اجتماعی در نهاد پاک بشر ریشه دارد، ولی اشکال ترسیم‌کنندگان آرمان‌شهر این است که هر یک از آنها، به گونه‌ای عدالت مورد نظر خود را تبیین نموده‌اند و انگیزه و موقعیت‌های اجتماعی و نیازهای فردی و حتی بسیاری اوقات هوای نفس و منفعت‌طلبی‌های فردی و گروهی بر آن اثر گذاشته است. روشن است که با این ویژگی‌ها نمی‌توان انتظار داشت عدالتی راستین و واقعی برای جامعه‌ی آرمانی مورد نظر تبیین شود. البته عدالت از حسن عقلی برخوردار بوده و بسیاری از اندیشمندان - غیر از اشاعره و فائیلین به نظریه امر الهی - به این امر اذعان دارند، اما در شناسائی مفهوم واقعی آن دچار تشتت آرا و اختلاف شده‌اند، زیرا هر کس به حسب تناسب وضعیت و موقعیت خود آن را تعریف کرده است.

ایده‌های فلسفی انسان‌گرایانه در نگرش به آینده

فیلسوف آرمان‌شهرنویس با تکیه بر عقل خودبنیاد و ایده‌های فلسفی انسان‌گرایانه می‌کوشد آرمان‌شهر خود را بر محوریت انسان سامان دهد. فیلسوف آرمان‌گرا خدمت عقلانی به بشریت را سرلوحه‌ی اهداف خود می‌داند و بیشترین توجه را به دیگر هم‌نوعانش دارد و از این رو با مشاهده‌ی وضعیت نابسامان و نامطلوب رفتارهای اخلاقی بشری و دوران فاجعه بار او فعل و انفعالات عقلی خود را به کار می‌گیرد تا پاسخی برای آن‌ها بیابد. وی با کمک عقل و استدلال عقلی خود به اصلاح اخلاق و فرهنگ جامعه می‌اندیشد تا بشر را به سعادت کامل دنیوی برساند.

در حقیقت ایده‌های فیلسوفانه نقشی اساسی در تبیین آرمان‌شهر داشته است و مهم‌ترین اتویست‌ها از جمله افلاطون، فارابی و فرانسیس بیکن یا فیلسوف بوده‌اند و یا دستی در فلسفه داشته‌اند. افلاطون در رساله‌ی «میهمانی» این واقعیت را مطرح می‌کند که انسان‌ها، زمانی در گذشته‌ای دور و قرین سعادت، از نظر شکل کروی بودند، سپس به دو نیم شدند و از آن پس هر نیمه به دنبال نیمه مناسب خویش است تا بار دیگر شکل کامل کروی خود را پیدا کند. (برلین، ۱۳۸۷: ۴۴) جامعه‌شناسی افلاطون آمیزه‌ای هوشمندانه و بدیع از نظرورزی و مشاهده‌ی امور واقع است که زمینه‌ی آن همان نظریه‌ی مُثل و سیلان و انحطاط کلی و کون و فساد است، بر این شالوده اصالت تصویری (ایده‌آلیستی) افلاطون نظریه‌ای درباره‌ی جامعه بنا می‌کند که به طرز شگفت‌انگیز واقع‌بینانه است و نه تنها می‌تواند روندهای عمده در رشد و تحول تاریخی دولت‌شهرهای یونان، بلکه نیروهای اجتماعی و سیاسی دست‌اندرکار در روزگار خود را نیز تبیین کند. (پوپر، ۱۳۷۵: ۷۱-۷۲) فارابی نیز تصریح دارد که طرح مدینه‌ی فاضله‌ی او مطابق با نظام عالم است و نظام موجودات هیچ مناسبتی با نظام اجتماعی و مدنی و سیاسی زمان او ندارد و لذا در ترتیب طبقات و اصناف مدینه هم بدون اینکه متعرض نظام مدنی و سیاسی موجود شود چند طبقه و صنف مدینه را متناسب با مراتب موجودات ذکر می‌کند. (داوری اردکانی، ۱۳۷۷: ۱۲) تامس مور نیز اگرچه فیلسوف به معنای خاص خود نبوده است، ولی فلسفه خواننده و از آن بهره برده است، چنان‌که وی ادبیات و فلسفه‌ی یونان را مطالعه نموده و در دیالوگی از جمهوری افلاطون نیز دفاع کرده است و لذا این امور تأثیر بسزائی در ایجاد و محتوای آرمان‌شهر او داشته است. (Beer, 2002: 32)

البته نحوه‌ی استفاده از آموزه‌های فلسفی برای ترسیم آرمان‌شهر گوناگون است. به هر حال ایده‌های فلسفی به تنهایی نمی‌توانند به عنوان معیاری برای آرمان‌شهرهای فلسفی به‌شمار آیند، زیرا مصداق علم حصولی بوده و خطاپذیر هستند و عوامل مختلفی بر آن‌ها تأثیرگذار

بوده و بسیاری اوقات آدمی را به بیراهه می‌کشانند. البته این سخن به معنای نفی همه‌ی ایده‌های فلسفی نیست، ولی در مورد آرمان‌شهرهای دنیاگرا نمی‌توانند مبنائی مناسب باشند؛ زیرا؛

(۱) آرمان‌شهر به دنبال سعادت بشری است و کسی نمی‌تواند تنها با یافته‌های عقلی خود جامعه‌ای سعادت‌مند را ترسیم نماید، زیرا عقل محدود بشری به همه‌ی نیازها و مشکلات بشری واقف نیست. از این روست که پس از ترسیم آرمان‌شهرها، در عصرهای بعدی نقدها و اتهام‌های بسیاری از جمله توتالیتاریسم و نفی آزادی بر اتوپیاها وارد شد.

(۲) ایده‌های فلسفی پردازش‌هایی ذهنی هستند که بدون توجه به واقعیت‌های بیرونی مورد توجه عقل قرار می‌گیرند، در حالی که دین و آموزه‌های وحیانی به اصل واقع‌نمائی تأکید داشته و از آرمان‌شهری سخن می‌گوید که واقعیتی خارجی دارد.

(۳) غالب فیلسوفان تنها سعادت زیست این جهانی را لحاظ می‌کنند و ایده‌های فلسفی آنها تنها می‌تواند چالش‌های حوزه اخلاق اجتماعی انسان را در این دنیا حل کنند. پوپر نیز معتقد است استدلال کردن درباره‌ی جامعه‌ی آرمانی بسیار دشوار است، زیرا زندگی اجتماعی چنان پیچیده است که تعداد کمی از افراد می‌توانند درباره‌ی نقشه‌ی مهندسی اجتماعی در مقیاسی بزرگ داوری کنند و در مواردی هرگز کسی را یارای این داوری نیست؛ اینکه آیا این نقشه به کاربستگی است؟ آیا نتیجه‌اش بهبودی راستین خواهد بود؛ متضمن چگونه رنجی است؟ و وسایل تحقق یافتنش چه تواند بود؟ (پوپر، ۱۳۷۵: ۲۱۳) با این توضیحات آرمان‌شهر واقعی، منشأ آسمانی داشته و از سوی خدائی است که از صرف ایده‌پردازی‌های فلسفی به‌دور است و سعادت دنیوی و اخروی انسان را در نظر دارد.

علم گرایی انسان گرایانه و نگرش به آینده

بشر با رشد علم و نوگرایی و جهش های فنی بیش از پیش به رشد و توسعه علمی و فن-آوری میل پیدا کرد تا جائی که پس از عصر رنسانس، انقلاب صنعتی پدید آمد و این امر اعتماد انسان را به توانایی های خود صد چندان کرد و به این امر خوش بین شد که می تواند زندگی را به بهتر از آنچه هست و آن گونه که می خواهد تغییر دهد. این امور برخی از اتوپست ها را واداشت تا آرمان شهری را ترسیم نماید که صنعت و فن آوری برای بهبود رفاهی انسان فراهم می آورد. تأکید بسیاری از اتوپیاها بر صنعت و تکنولوژی نیز حکایت از دغدغه های آن ها نسبت به این امر داشته است و این انگیزه سبب ترسیم برخی اتوپیاها گشته است. در نتیجه خیزش جوامع بر اثر رشد اقتصادی، سفرهای اکتشافی هیجان انگیز، انگیزه های نیرومندی برای رسیدن به تصورات اجتماعی و نقشه های دقیق بوده است، چنان که اتوپای تامس مور، که در دوره ی پیش از اصلاح دینی نوشته شده بود ریشه در آن عنصر داشته است. (امرسون، ۱۳۸۷: ۴۱۷)

همان طور که ملاحظه می شود اتوپست ها با چنین مبنا و انگیزه ای تنها سعادت مادی و دنیائی آدمی را لحاظ کرده اند و تنها منافع و مصالح زیست این جهانی را در نظر داشته و پنداشته اند با رشد تکنولوژی، بشر به سعادت واقعی خود نائل خواهد آمد. بر این اساس، ترسیم آرمان شهر نیز به مادی گرایی، دنیاگرایی، معنویت زدائی و قطع ارتباط انسان با آسمان و عالم ماورا سوق داده شد و آثار و نتایج چنین رویکردی بر کسی پوشیده نیست و نقادان دنیای مدرن از جمله سنت گرایانی همانند رنه گنون (گنون، ۱۳۷۲) و حسین نصر (نصر، ۱۳۷۵) از آن خبر داده اند. البته در قالب دیستوپیا نیز اشکالاتی جدی بر گسترش علم و تکنولوژی وارد شده و آینده ای مخوف و وحشتناک بر جوامع علمی و صنعتی ترسیم شده است.

در آرمان شهر دین مدار نیز اگرچه به تکامل عقول (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۳۹ ح ۲۱) و علوم (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۸۴۱) و رشد و توسعه ی عقل و علم بشری بشارت داده شده است و آن را

وسیله‌ای برای رسیدن به معنویت و سعادت و کمال می‌داند، ولی این امر سبب ترسیم آرمان‌شهر نبوده است، زیرا ترسیم و وعده‌ی آن به خدائی بازمی‌گردد که اراده‌ی او به منزله‌ی فعل اوست و همین که امری را بخواهد هست می‌شود و آن‌گاه که بشر را آفرید، مرحله‌ی کمال نهائی او در همه‌ی عرصه‌ها را نیز تصویر کرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

دانستیم آرمان‌شهر شامل نوشته‌هایی کلی در مورد شماری از اندیشه‌ها یا رویاهای مختلف برای توصیف و یا توجه به خلق یک جامعه‌ی بهتر است. با اضافه شدن قید فلسفی، بر آرمان‌شهر فیلسوفان تمرکز شد. در این پژوهش ابتدا ماهیت آرمان‌شهر و پیشینه نگارش آرمان‌شهرها تبیین شد. سپس مبانی نظری و مؤلفه‌های انسان‌گرایانه از قبیل کمال‌گرایی، عدالت‌طلبی و ایده‌های فلسفی به نحوی گزارش شدند که معطوف به آینده بشریت بوده و چشم‌اندازی روشن ارائه کنند. نتیجه پژوهش این است که نگارش آرمان‌شهر فلسفی بدون نگرش به آینده امکان‌پذیر نیست و اساساً ماهیت آرمان‌شهر فلسفی با نگاه به آینده‌ای روشن سامان می‌یابد. به عبارت دیگر هر یک از مؤلفه‌ها به منزله گذار از گذشته‌ای ناخوشایند برای رسیدن به آینده‌ای مطلوب است. در مقابل، آرمان‌شهرهای دین‌مدارانه آینده بشریت را در جهت سیر به سوی خداوند ترسیم می‌کنند. پیشنهاد می‌شود.

فهرست منابع

- Bacon, Francis. (2002). New Atlantis, Manchester: Manchester University Press.
- Beer, Max. (2002). A History Of British Socialism, London: Routledge.
- Berlin, Isaiah. (۲۰۰۷). Against the Current: Essays in the History of Ideas, Translated by Leila Sazgar, Tehran: Qaqnoos Publications.
- Bird, Jon. (1993). Mapping the futures: local cultures, global change, Futures, new perspectives for cultural analysis, Futures Series, Edition: illustrated, London: Routledge.
- Bouthoul, Gaston.(1991). Histoire des doctrines politiques: Depuis l'antiquité, Translated by Hossein Shahidzadeh, Tehran, Marwarid Publications, second edition.
- Cassirer, Ernest, (1989), Philosophy and Politics, foreign policy magazine, translated by Mehdi Wajid Sami, number 11: 417-430.
- Critical Studies, (The seeing Century, Film, Vision And Identity), Edited By Wendy Everett, (Intellect Books, 2005).
- Davari Ardakani, Reza, (1998), Farabi, Tehran: Institute of Islamic Philosophy, Research Institute of Islamic Sciences.
- Davari Ardakani, Reza, (2000), Utopia and Modern Age, Tehran: Saqi Publications.
- Deli, Leo, (2004), Saint Augustin, translated by Mohammad Beqaei, Tehran: Iqbal Printing and Publishing Organization.
- Emerson, Roger L.(2008), Culture of Political Thoughts (Utopia), translated by Khashayar Dehimi, Tehran: Nei Publications.
- Enayat, Hamid, (2000), Foundation of Political Philosophy in the West, Winter Publishing.
- Francis Bacon & Tomasso Campanella, (2003), The New Atlantis And The City Of The Sun, Edition: Paperback, Mineola: Dover Publications.
- Guden, Christian, (2004), Should we rehabilitate utopia?, translated by Sosan Shariati, Tehran: Qaseida Sera.
- Gumperts, Theodor (1996), Greek Thinkers, , translated by Mohammad Hassan Lotfi, Tehran: Khwarazmi Publishing Company.
- Harrington, James(1995). The Commonwealth Of Oceana And System Of Politic, Edited By J.G.A.Pocock, Cambridge: Cambridge University Press,
- Hudson, O.W, (2006). A Crystal Age, Read How You Want.
- Hudson, Wayne.(2003). The reform Of Utopia (Law, Ethics And Governance), Aldershot Hants: Ashgate Publishing .Ltd.
- Javadi Amoli, Abdullah, (2007), Tafsir insan bi insan, Qom: Isra Publishing Center.
- Jefferies, Richard (1980). After London Or Wild England, Oxford: Oxford University Press.
- Kenny, Anthony, (1995), Thomas More, Translated by Abdullah Kothari, Tehran, New design.
- London, Jack, (1983).The Iron Heel, Edition: Paperback, Lawrence Hill Books.
- Mannheim, Karl, (2001), Ideology and Utopia, translated by Fariborz Majidi, Tehran: Organization for Studying and Compiling Humanities Books of the University.
- More, Thomas, (1982), Utopia, translated by Dariush Ashuri and Nader Afshari, Tehran: Kharazmi Publications.
- Nasr, Seyyed Hossein, (1996), Young Muslims and the Modern World, Tehran, New Design Publications.
- Plato, (1989), The Republic, Translated by Fouad Rouhani, Tehran: Scientific and Cultural Publications.

- Popper, Karl, (1986), *The Open Society and Its Enemies*, Translated by Ezzatullah Foladvand, Tehran, Kharazmi Publishing Company.
- Ricoeur, Paul, (2002), *Ideology and Utopia*, translated by Ahmed Bostani, *Useful Letter*, No. 32.
- Rousseau, Jean- Jacques, *Discourse On The Origin Of Inequality*, translated by Donald A. Cress, (Indianapolis: Hackett Pub .Co,1992).
- Rouvillois, Frederic, (2006), *L'utopie : introduction choix de textes commentares*, translated by Abbas Bagheri, Tehran: Nei Publications.
- Russell, Bertrand,(1994), *History of western philosophy*, Translated by Najaf Daryabandari, Tehran: Book of Parvaz Publications.
- Rutledge Encyclopedia, Version10, London: Rutledge Press, Uotopianism.
- Swift, Jonathan, (1826), *Gulliver's Travels*, London: Jones & company.
- Vairasse, Denis,(2006). *The History Of The Sevarambians*, edited and with an introduction by John Christian Laursen and Cyrus Masroori, Albany: State University Of Newyork Press.

